



عکس: President.ir

پزشکیان در جمع مدیران وزارت امور خارجه از عراقچی دفاع کرد:

دیپلماسی در اوج جنگ فعال بود

برای ایران می‌تید و دلش می‌خواهد، به کشور بازگردد. تنها کافی است که بستر فراهم کنیم و از وزارت امور خارجه می‌خواهم که پیگیری لازم را انجام دهد که این امر عملی شود چرا که آنان سرمایه‌های این آب و خاک هستند.»

پزشکیان اظهار داشت: «همبر انقلاب نیز تاکید کرده‌اند که ما باید از یک سو خود را برای دفاع از آب و خاک خود آماده کنیم و از سوی دیگر دیپلماسی را در دستور کار قرار دهیم؛ اگر بتوانیم با آرامش زندگی کنیم بسیار بهتر از این است که درگیر جنگ و خونریزی شویم. برخی ادعای حقوق بشر دارند اما تصاویر دلخراشی در غزه ایجاد کرده‌اند که هیچ انسانی توان دیدن آن را ندارد، کشورهای اروپایی و سازمان‌های حقوق بشر دم از انسانیت می‌زنند اما چگونه می‌توانند عملیات وحشیانه علیه مردم غزه را توجیه کنند؟ برخی رسانه‌های فارسی‌زبان که آن سوی مرز هستند تحلیل‌هایی ارائه می‌کنند که شرم‌آور است، آیا آنها واقعیت و آنچه در حال وقوع است را نمی‌بینند؟»

رئیس‌جمهور با اشاره به هدف قرار گرفتن زندان اوین توسط رژیم صهیونیستی، گفت: «آنها دم از حقوق بشر می‌زنند اما زندانیان را می‌کشند، از حمله اسرائیل دفاع می‌کنند که موضوعی شرم‌آور است.»

پزشکیان با تاکید بر اینکه با وحدت و انسجام با توکل بر خدا و با قدرت و حمایت مردم عزیزمان این مسیر را طی خواهیم کرد، گفت: «ما خدا را داریم و اگر به او دل ببندیم و با باور به او خدمتگذار مردم باشیم، مردم نیز در مقابل مشکلات با قدرت می‌ایستند. هیچ قدرتی نمی‌تواند مردم متحد و همراه را زمین گیر کند و اگر اینگونه نشد قطعاً دولت مقصر است.»

رئیس‌جمهور در پایان خطاب به مدیران و کارکنان وزارت امور خارجه تاکید کرد: «شما باید آتش تهیه را بیشتر کنید، ارتباطات خود را تقویت کنید و بستر رفت و آمدها را آماده کنید که به امید خدا بتوانیم در مقابل تجاوزات، صدای بلند ملت ایران را به گوش همه مردم کره خاکی برسانیم.»

گزارش وزیر امور خارجه

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه نیز در این نشست گزارشی از عملکرد دستگاه دیپلماسی در جنگ ۱۲ روزه و همچنین تحلیلی از شرایط

گروه خبر: رئیس‌جمهور صبح دیروز در بازدیدی سرزده، به وزارت امور خارجه رفت و در جمع مدیران و کارکنان دستگاه دیپلماسی حاضر شد. مسعود پزشکیان در بدو ورود خود به این وزارت‌خانه، مورد استقبال سیدعباس عراقچی قرار گرفت. حضور رئیس‌جمهور در وزارت امور خارجه در دوران حمله‌های جریان تندرو داخلی به این دستگاه و حمایت از مجموعه دیپلماسی کشور، در جای خود حائز اهمیت است.

اولویت تقویت روابط با همسایکان

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور کشورمان در این نشست با بیان اینکه قبول مسئولیت نباید در رفتار و کردار ما تغییر ایجاد کند و باید مسئولیتی که پذیرفته‌ایم را به درستی انجام دهیم، گفت: «اگر سیاست و چارچوب مدنظر رهبر انقلاب را رعایت کنیم و به فردی که در میدان است، اختیارات لازم بدهیم، نظارت کنیم و اگر در جایی هم اشتباه شد کمک کنیم که آن اشتباه رفع شود، مملکت درست می‌شود.» پزشکیان با تاکید بر اینکه در قدم نخست باید نگاه خود را عوض کنیم، گفت: «باید به خودمان برگردیم. با کمک مردم و کمک مدیران باید نگاه خود را عوض کنیم، اولویت اول مادر سیاست خارجی تقویت ارتباط با همسایگان است. در بُعد داخل نیز تلاش می‌کنیم که ارتباط را با مردم عزیزمان صمیمی‌تر کنیم و تا حد امکان گلایه‌ها را بشنویم و مشکلات را اصلاح کنیم.»

پزشکیان تصریح کرد: «باید روابط خود را با کشورهای همسایه از جمله ترکیه، ترکمنستان، جمهوری آذربایجان، افغانستان، پاکستان، عراق و کشورهای حوزه خلیج فارس تقویت کنیم. در صورت اصلاح روابط با کشورهای همسایه کارهای بزرگی می‌توانیم انجام دهیم، باید کمی فعال‌تر شویم، از تجار و بازرگانان تا اهالی فرهنگ و دانشگاهیان و اهالی گردشگری و.. باید فعالانه‌تر عمل کنند.»

ایرانیان خارج از کشور از بازگشت می‌ترسند

رئیس‌جمهور با اشاره به نقش مهم ایرانیان خارج از کشور، گفت: «متأسفانه چارچوب‌هایی ایجاد کرده‌ایم که آنها می‌ترسند به کشور بازگردند، باید با قوه قضائیه، وزارت اطلاعات و مسئولان امنیتی صحبت کنیم تا هر کس که دلش

دادگستری کل سیستان و بلوچستان هدف حمله تروریستی قرار گرفت

صبح خونبار زاهدان

گروه خبر: زاهدان ایمن هفته را با یک رویداد خونبار آغاز کرد. تروریست‌های مسلح گروه جیش العدل، صبح روز شنبه به ساختمان دادگستری کل استان سیستان و بلوچستان در بلوار آزادی زاهدان حمله کردند. این اقدام تروریستی بر اساس اعلام نهادهای رسمی و تا زمان تنظیم این گزارش، ۶ شهید و ۲۲ زخمی بر جای گذاشت. ۳ عضو جیش‌العدل عامل این حمله بودند که هر سه آن‌ها توسط نیروهای امنیتی و انتظامی کشته شدند. این تروریست‌ها علاوه بر سلاح، مهمات



آیت‌الله سیستانی: جهان اسلام سکوت نکند

گروه خبر: دفتر آیت‌الله العظمی سیستانی با صدور بیانیه‌ای نسبت به وضعیت فاجعه‌بار انسانی در غزه ابراز نگرانی شدید کرد و خواستار اقدام فوری کشورهای اسلامی و جامعه جهانی برای پایان دادن به این بحران شد. در این بیانیه آمده است: «پس از نزدیک به دو سال قتل و ویرانی بی‌وقفه و آنچه در پی داشته از صدها هزار شهید و مجروح، ویرانی کامل شهرها و مجتمع‌های مسکونی، این روزها مردم مظلوم فلسطین در نوار غزه با شرایطی بس سخت و طاقت‌فرسا روبه‌رو هستند؛ به‌ویژه به دلیل کمبود شدید مواد غذایی که به بروز فحطی گسترده‌ای انجامیده و حتی کودکان، بیماران و سالمندان را نیز از آن گریزی نبوده است.» در بخش دیگری از این بیانیه با تاکید بر اینکه کشورهای جهان نباید اجازه ادامه این فاجعه را بدهند، آمده است: «اگر چه از نیروهای اشغالگر جز ارتکاب چنین وحشیگری فجیعی در چارچوب تلاش‌های مستمرشان برای

نگاه روزنامه‌نگار

قطعنامه تامله

در ستایش دیپلماسی و روندی که به اسنپ‌بک ختم نشود



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

مکانیسم ماشه، اسنپ‌بک، سازوکار حل اختلاف با پس‌گشت، قصه داغ این روزهاست. به‌خصوص برای جریان تندرو داخلی این روزها بسیار مطلوب است چون به سبک معروف «دیدید گفته بودیم» مشغول این هستند که بگویند چرا دیپلماسی خوب نیست و باید مسیرهای دیگر را رفت. از رهگذر همین شادی درونی هم به جمله‌سازی با این مفاهیم می‌پردازند که آب‌سنگین فلان شد و ۱۱ تن اورانیوم غنی‌شده از کشور بیرون رفت. البته توجه به این نکته بسیار مهم است که آن‌ها دیپلماسی را نفی نمی‌کنند. بلکه معتقدند آن روش‌های دیپلماتیک من‌درآوردی که کشور را در چاله عنوان «تهدید صلح و امنیت بین‌الملل» و فصل هفتم منشور ملل متحد انداخت، همان مسیری بود که باید ادامه پیدا می‌کرد. مفروض‌شان چیست؟ آن‌ها با این مفروض به میدان می‌آیند که اگر همان مسیر پر خسارت قبلی ادامه پیدا می‌کرد، الان ایران در جایگاه رفیعی ایستاده بود و توانایی مثال‌زدنی در حوزه هسته‌ای داشت یا یکسری امتیازها و موفقیت‌هایی که دیگران از آن‌ها بی‌خبرند. در واقع مفروض آنان این است که همان مسیر در یک خط مستقیم و هموار پیش می‌رفت و به نتایج مطلوبی می‌رسید. هیچ اتفاق غیرمنتظره‌ای رخ نمی‌داد.

اگر غیر از این باشد، منطقی نیست که انسان دارای عقل، از اجماع جهانی علیه کشورش و قرار داشتن تحت تحریم‌های شورای امنیت برای خودش یک دوران طلایی بسازد. اخیراً جمله‌سازی‌هایی با بازدارندگی آب سنگین و پلوتونیوم را می‌شنویم که مشخص نیست ریشه آن‌ها در کجاست. همانقدر که ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصد برای ما بازدارندگی ایجاد کرد، آن داشته‌ها نیز - از لحاظ نظری و عملی - این قابلیت را برای ما به ارمان می‌آورد.

پروژه هسته‌ای برای ایران ضروری بود اما شاید اگر در زمان خودش می‌شد این پرونده را مورد نقد و بررسی قرار داد، مسیر پیش روی آن هم مشخص‌تر می‌شد. اما چون در یک بازه زمانی برخی تصمیم گرفتند در تمام امور انقلابی عمل کنند و چارچوب‌های دیپلماتیک را به هم بربزند، و البته در آن سو هم دنبال بهانه بودند تا گاه‌گاه در مسیری افتادیم که نه برگشت از آن به خاطر هزینه‌های مختلفی که در سطح ملی برای آن شده بود امکان داشت، نه می‌توانیم بیش از این آن را ادامه دهیم. این جنگ بسیاری مسائل را عوض کرد. هر چه از این دوران جنگ بیشتر فاصله بگیریم، سوال‌هایی که پیش از این هم بسیار پرسیده می‌شد، بیشتر در ذهن طنین‌انداز می‌شود.

آن تصویری که محمود احمدی‌نژاد در دهه ۸۰ از ایران نشان می‌داد که حذف اسرائیل از نقشه را آرمان کرده بود و در کنار آن

از سوی کشورهای غربی و شرقی به عنوان تهدید برای صلح و امنیت و در پی ماجراجویی هسته‌ای معرفی می‌شد، تطابقی با واقعیت‌ها و امکانات نداشت. آن‌ها بیشتر از اینکه دنبال اداره ایران باشند، دنبال تغییر جهان بودند. کشور شرایط مالی خوبی داشت و به قول معروف خزانه پر بود. مدیران ارشد پس از هر تحریمی انگار منتظر بودند که آن تحریم در لحظه تأثیر خود را نشان دهد. در همان دوران بود که گزارشگران صداسیما با مزه ریختن در گزارش‌های خیابانی از مردم می‌پرسیدند به نظر شما تحریم‌ها اثر گذاشته؟ پاسخ‌ها هم قطعاً همراه با لیخند و البته منفی بود. غافل از این که اول راه بود و حریف هم بسیار صبور. نفهمیدن مناسبات بین‌المللی و غرق بودن در گعده‌های فلسفی، در نهایت کشور را به این چاه انداخت. آن‌ها همچنان فکر می‌کنند که جمهوری اسلامی تنها بازگیری است که در جهان وجود دارد و هر تصمیمی را می‌تواند بگیرد، طرف مقابل امکانی برای مقابله ندارد یا اگر دست به تقابل بزند، بی‌تأثیر است. ریشه این عدم وجود برداشت صحیح از واقعیت‌ها و عدم تناسب آن‌ها با ظرفیت کشور، ایران را به عنوان یک تهدید بین‌المللی خطاب به جهان معرفی کرد. نه‌فقط از طریق پرونده هسته‌ای که از طریق موارد مختلفی مانند حقوق بشر که هر کدام از آن‌ها می‌تواند بخشی از افکار عمومی جهان را علیه کشور بسیج کند.

هیچ عقل سلیمی نمی‌تواند بپذیرد که کشور در چنین شرایطی بماند که برخی نیروهای انقلابی از روندها راضی باشند. ما در قبال یک کشور ۹۰ میلیون نفری مسئولیت داریم نه یک اقلیت فکری محض. عقل حکم می‌کرد کشور از این وضعیت بیرون کشیده شود. ضمانت آن هم امکان بازگشت هر طرف به قبل از توافق هسته‌ای باشد. ایران به برنامه‌اش برگردد و آن‌ها هم قطعنامه‌های خود را برگردانند. شرایطی که هیچ طرفی خواستار ورود به آن نبود. نه آن‌ها ایران هسته‌ای را می‌خواهند نه ایران، تحریم‌های شورای امنیت را.

اما شرایط درست پیش نرفت. هرچند ایران حقوق هسته‌ای خود را هم حفظ کرد و سطح برنامه‌اش را ارتقاء داد. ای کاش مکانیسم ماشه، اسنپ‌بک یا هر چه نامش را می‌گذاریم وجود نداشت. اما قبل از آن باید به این فکر کنیم که ای کاش سیاست‌های صحیحی وجود داشت که به دنبال آن قطعنامه‌های شورای امنیت وجود نداشته باشد که ایران بخواهد خودش را از این چاه خطرناک بیرون بکشد. بدون قطعنامه، ماشه‌ای هم وجود نداشت.

همین امروز دیپلماسی با تمام مشکلات و دست‌اندا‌ها، ادامه دارد. مذاکره هم یکی از ابزارهای آن است و نه مترادف کلیت آن. کلید پاسخ به این سوال که چرا ایران همین امروز خط‌گفت‌وگو با طرف اروپایی را دنبال می‌کند یا پنجره کوچک گفت‌وگو با ایالات متحده بسته نشده، در همین نکته نهفته است. نمی‌توان کشور را در شرایطی مانند دهه هشتاد و ابتدای دهه ۹۰، ذیل فشارهای شورای امنیت به حال خود رها کرد.

کشید. غزه نمادی است از شکست تمامی ادعاهایی که برای بهبود وضع بشر وعده داده می‌شد. نه‌تنها یهودی رخ نداد، بلکه چندین گام بلند به عقب برداشته شده است. گرچه درد و رنج این وضعیت بر دوش مردم غزه و کودکان امروز آنجا بار می‌شود؛ ولی خبر خوب این است که جنایات کنونی شکاف بزرگی را میان حکومت‌های غربی با مردم آنها ایجاد کرده است. حس نفرت از اسرائیل پدیده‌ای جهانی شده و روبه‌تازید است. اسرائیل همواره سعی می‌کرد تا نان مظلومیت هولوکاست را بخورد، امروز و در آینده‌نه چندانی دور باید چوب پاکسازی‌های قومی و نسل‌کشی را بخورد که مستقیماً به دست ارتش اسرائیل در غزه انجام می‌شود.

بنابراین، بدتر از همه سکوت نسبی این مجموعه از کشورهاست که از تمامی خطوط قرمز و مرزهای اخلاقی عبور کردند. با نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت هر چه محقق شود، صلح نخواهد شد. هنگامی که خطر مرگ در ایستادن در صف غذا بیش از خطر مرگ ناشی از گرسنگی است، متوجه ابعاد وضعیت هولناک غزه خواهیم شد. به نظر می‌رسد که تعداد کودکانی که روزانه زنده به دنیا می‌آیند کمتر از کودکانی است که بر اثر گرسنگی می‌میرند. بسیاری از این کودکان حتی پدر و مادر هم ندارند که بر اثر گرسنگی یا بیماری‌ان صف غذا کشته می‌شوند. هنگامی که وضعیت غذا چنین است، می‌توان وضعیت بهداشت و درمان را هم تخمین زد و در خیال خود آن را به تصویر

ادامه سر مقاله